بی‌سروسامانی مهدکودک منتظر تصمیم شورای عالی انقلاب فرهنگی

نارضایتی گسترده از نظارت ضعیف بهزیستی

اشاره:

مدت‌هاست که سوژه مهدکودک‌ها و حواشی و مشکلات و ابهاماتی که درباره برخی از آنها وجود دارد، سر و صدای زیادی ایجاد کرده است. روزی نیست که اخباری از بروز بی‌قانونی در مهدهای کودک به علت ضعف نظارت شدید بهزیستی در رسانه‌ها منتشر نشود. از افشای پرونده نفوذ مربیان بهایی در مهدهای کودک تهران و شهرستان‌ها توسط ائمه جمعه و دستگیری گروهی از این افراد توسط وزارت اطلاعات تا آموزش رقص و آواز و فرهنگ آشتی با استکبار براساس دو اصل مهم آموزش مونته سوری!

مهدکودک در ایران سابقه طولانی ندارد و بررسی اسناد تاریخی نشان می‌دهد اولین مهدکودک ایرانی توسط اقوام همین مربیان بهایی که اکنون در کشور فعال هستند، تاسیس شد!

تاریخ مهدهای بهایی

بخشی از سفرنامه «هاکس مریت» به نام «ایران: افسانه و واقعیت» به شرح ذیل است: «رفت و آمد در کرمان بسیار مشکل بود، زیرا در شهر فقط یک درشکه و چند ماشین فرسوده وجود داشت و پیاده‌روی بین ساعات ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر در خرداد ماه، استقبال از بلا بود. در اثر اشتباه راننده، مجبور شدم بیش از یک و نیم کیلومتر تا مدرسه‌ای که به وسیله بهاییان اداره می‌شد، پیاده بروم. خسته و گردآلود وارد شدم، لکن وقتی چشمم به زنی ایرانی، فریبا، بی‌آلایش و تمیز و مرتب و سی نفر شاگرد شاد و پاکیزه‌اش افتاد، تمام ناملایمات را از یاد بردم. او بیوه‌ای با سه فرزند بود که روش‌های نوین آموزش را در ترکستان آموخته و پس از انقلاب روسیه به ایران آمده بود. بچه‌ها در سنین ۲ تا ۶ ساله بودند و ماهیانه فقط دو ریال می‌پرداختند و بقیه هزینه بر عهده «انجمن محلی بهاییان» بود... بچه‌ها در حال رقص چنین می‌خواندند:

«بچه قرن بیستمیم/هر روز به مدرسه می‌رویم/فارسی را یاد می‌گیریم/بچه‌های آینده‌ایم/باید برای میهن تمیز و صادق باشیم.»

مدارس بهائی در سال ۱۳۱۳ در یک اقدام دفعی حکومت شاهنشاهی به منظور جلوگیری از اعتراضات روزافزون مردمی و تخلیه احساسات ضدشاهی پس از دستور «کشف حجاب» تعطیل شدند. اما آیا این پایان راه بهائیان برای فتح اذهان آینده‌سازان ایرانی بود؟

پروژه نفوذ وراثتی

پست مذکور در صفحه «خانه کودک مونته سوری» را یکی از اعضای فعال گروه بهائی مشهور به «فعالین کودک» انتشار داده که خود از سابقه چندین بار دستگیری در روستاها و شهرستان‌های کشور به علت ترویج آموزه‌های فرق ضاله برخوردار است! «نهاله. ش» از مربیان مونته سوری، نوه «ثابت مراغه‌ای» از مبلغین و مروجین خاص بهائیت است. خاله‌اش، بلقیس مشکیان که پس از انقلاب بلشویکی از روسیه به ایران آمد، ابتدا در یزد سکونت اختیار نمود و سپس به واسطه درخواست میرزا منیر نبیل‌زاده در سال ۱۳۱۰ به کرمان رفت و به توصیه محفل بهائی کرمان در سال ۱۳۱۱ اولین «کودکستان بهایی» را تأسیس و اداره‌اش را بر عهده گرفت.

پر واضح است که نهادهای بین‌المللی مروج نظم لیبرالیستی در صورتی می توانند برنامه «نفوذ» در حوزه مهم تعلیم و تربیت کودکان را ادامه دهند که نهادهای حاکمیتی وظایف خود را به آنها واگذار نموده یا به علل مختلف از توان لازم برای نظارت و اداره زیرمجموعه برخوردار نباشند.

سرمایه تأسیس این کودکستان توسط دینیار همتی بهائی پرداخت شد. نام اصلی کودکستان ذکر شده در سفرنامه هاکس مریت «شهریار همتی» بود که دینیار همتی، برای بزرگداشت نام پدرش بر آن نهاده بود. مشکیان بعد از آن که مدتی کودکستان را اداره نمود، به یزد رفت و «کودکستان بهائی رشید» را بنیان گذاشت!

یونسکو برنامه می‌چیند

این بخشی از تاریخ نفوذ در جامعه ایرانی از مسیر برون‌سپاری تربیت و تعلیم کودکان بود. اگر تا پیش از این مهدکودک صرفا محلی برای توجه بیشتر به رشد اجتماعی کودک و شکوفایی استعدادهای نهفته او بود، این روزها به انتخابی اجباری برای والدین شاغل تبدیل شده است و جالب اینجاست که دولت نیز مطابق طرح دستوری «آموزش یکسان عمومی»، به شدت برای گسترش مهدروستاها و اقامت کودکان در مهدهای کودک هزینه و تبلیغ می‌کند!

پر واضح است که نهادهای بین‌المللی مروج نظم لیبرالیستی در صورتی می‌توانند برنامه «نفوذ» در حوزه مهم تعلیم و تربیت کودکان را ادامه دهند که نهادهای حاکمیتی وظایف خود را به آنها واگذار نموده یا به علل مختلف از توان لازم برای نظارت و اداره زیرمجموعه برخوردار نباشند.

به نظر می‌رسد کل ماجرای واگذاری صدور مجوز، اداره و نظارت بر مهدکودک‌های مختص بدو تولد تا ۴ سالگی به سازمان غیرتخصصی بهزیستی با حوزه کاری آسیب‌های اجتماعی نیز یک مهندسی خاص برای زمینه‌سازی اجرای دقیق پروژه نفوذ بوده است. کما اینکه هم اکنون جنگ سختی میان باند نفوذی رخنه کرده در دولت و مردم برای جلوگیری از خصوصی‌سازی آموزش و پرورش در جریان است.

از شهریه کمرشکن تا استخدام معلق

نکته جالب اینجاست که اخیرا قشر جدیدی تحت تاثیر تبلیغات گسترده مزایای حضور کودک در مهدها متقاضی استفاده از خدمات شده‌اند. این مشتری‌های میلیونی حتی اگر دغدغه آموزش ضددینی و غیربومی یا فرویدی برخی از مهدهای کودک را نداشته باشند دست‌کم از ضعف نظارت در حوزه نوع خدمات، کیفیت آموزش‌ها و حتی شهریه‌های سرسام‌آور و در یک کلام «ضعف نظارت بهزیستی»، شکایت دارند. علاوه بر آن مربیان مهدها نیز به علت حقوق پایین تعیین شده توسط سازمان و مشکلات استخدامی و آموزش و گزینش غیرحرفه‌ای بارها نارضایتی خود را از ساختار فعلی اعلام کرده‌اند. به نظر می‌رسد تنها راه بازگشت نظم و کارآمدی به حوزه از دست رفته تربیت نسل کودکان ایرانی، رجوع به قانون و پایان دادن به نابسامانی ساختاری گسترده فعلی زیر چتر بهزیستی باشد. موضوعی که از دو سال قبل به صورت جدی در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفته و متاسفانه به دلیل برخی مقاومت‌های غیرعقلایی هنوز موفق به بازگرداندن مهدهای کودک به زیرمجموعه تخصصی، گسترده و پاسخگوی وزارت آموزش و پرورش نشده است.

یکی از کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت، یادداشتی کوتاه در همین موضوع در اختیار کیهان قرار دادند که به شرح ذیل است:

تساهل و تسامح در امر حاکمیت ممنوع!

تربیت دوره کودکی در آموزه‌های اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است و خوب یا بد، در دوره حاضر، در این امر «مهدکودک‌ها» نقش قابل توجهی بر عهده دارند. حقیقتا می‌توان «مهدکودک» به عنوان یک ساختار اجتماعی خارج از خانواده را از تبعات نظام توسعه غرب دانست. این مسئله نوپدید با واکنش‌های متفاوتی رو به رو شده و پرسش‌های جدی را ناظر به موضع جامعه به مهدکودک رقم زده است تا آنجا که برخی از آن با عنوان «یتیم‌خانه مدرن» یاد کرده‌اند[1].

به گفته برخی کارشناسان حدود چهارده نهاد به مراکز با کارکرد مهدکودک مجوزمی‌دهند. چنین فضای مبهمی، زمینه فعالیت مراکزی را فراهم می‌کند که با چارچوب‌های حاکمیتی و تعالیم اسلامی همراه نیستند. ضمن آنکه نباید از ابعاد امنیتی و نفوذ برانگیز این نابسامانی غافل شد.

نفوذ جدی است

در حال حاضر، در ایران مراکزی مانند سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد)، مؤسسات فرهنگی و خانه‌های کودک در زمینه تربیت و نگهداری کودکان زیر هفت سال فعالیت می‌کنند که مجوز خود را از نهادهایی نظیر سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان محیط زیست، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شهرداری دریافت کرده‌اند. درباره نهادهای صادرکننده مجوز جزئیات دقیقی در دست نیست، اما به گفته برخی کارشناسان حدود چهارده نهاد به مراکز با کارکرد مهدکودک مجوز می‌دهند. چنین فضای مبهمی، زمینه فعالیت مراکزی را فراهم می‌کند که با چارچوب‌های حاکمیتی و تعالیم اسلامی همراه نیستند. ضمن آنکه نباید از ابعاد امنیتی و نفوذبرانگیز این نابسامانی غافل شد.

بنا بر بررسی‌های صورت‌گرفته، یکی از مهم‌ترین علل بروز نابسامانی و نفوذ جدی جریان‌های فکری و فرهنگی در تربیت پیش از دبستان در مهدکودک‌ها، تعدد متولیان امر و ناهماهنگی میان آن‌ها است که زمینه فعالیت افراد و نهادهای بدون صلاحیت تربیتی را ایجاد کرده است.

حساسیت این مسئله تا بدانجا است که مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر در بیانات خود به آن اشارات مهمی داشته و «مهدکودک‌ها» را یکی از زمینه‌های «نفوذ» دانسته‌اند[2]. ضمن اینکه اهمیت این موضوع در مفاد سیاست‌های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش نیز مورد توجه ایشان قرار داشته است[3].

به دلیل همین اهمیت، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال گذشته به درستی به این مسئله به‌طور جدی ورود نمود و وجوه مختلف این امر را از منظر قانونی و اسناد بالادستی و همچنین وضعیت میدانی و واقعیت‌های موجود از طریق پژوهش‌ها و بررسی‌های متعدد کارشناسی مورد بررسی قرار داد.

هر چند هنوز از اقدامات و تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه مهدکودک‌ها گزارش رسمی منتشر نشده است، اما بدیهی است که با تعلل و تسامح در این حوزه مهم، نابسامانی وضعیت مهدکودک‌ها نه تنها ادامه خواهد یافت، بلکه با توجه به شرایط کنونی و تشتّتی که در ارائه خدمات این حوزه دیده می‌شود، احتمالاً آسیب‌ها و معضلات مربوطه تشدید نیز خواهد شد. از آنجا که در اسناد بالادستی کشور تربیت پیش از دبستان و از جمله فعالیت مهدکودک‌ها، امری «حاکمیتی» قلمداد شده، انتظار می‌رود که شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرجع اصلی سیاست‌گذاری این حوزه، متولیان اصلی و ساز و کار سیاست‌گذاری، مدیریت و برنامه‌ریزی مهدکودک‌ها را تعیین نماید.

پانوشت‌ها:

۱- ن.ک: مقاله «یتیم‌خانه مدرن؛ تأملی در تاریخچه مهدکودک»، مجله سوره اندیشه، شماره‌های ۵۶-۵۷

۲- از جمله در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴ به خطر نفوذ در مهدکودک‌ها اشاره نمودند: «هوشیار باشیم؛ من چند روز قبل از این، در صحبت گفتم که اینها درصدد نفوذند، در صدد رخنه اند؛ این رخنه از جاهای مختلفی ممکن است باشد؛ مواظب باشید. یک وقت آدم خبر می‌شود که فرض بفرمایید فلان سازمان آمده یک بخشی از مجموعه فرهنگی ما را - مثلاً فرض کنید مهدکودک‌ها را - به یک شکل خاصی دارد هدایت می‌کند؛ این را آدم می‌فهمد، بعد که نزدیک می‌شود می‌بیند کار خطرناکی و کار بزرگی است [امّا] آدم توجّه نداشته؛ اینها رخنه است».

۳- «ارتقاء جایگاه آموزش و پرورش به‌مثابه مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی انسانی و مولد سرمایه اجتماعی و عهده‌دار اجرای سیاست‌های مصوب و هدایت و نظارت بر آن (از مهدکودک و پیش‌دبستانی تا دانشگاه) به‌عنوان امر حاکمیتی با توسعه همکاری دستگاه‌ها» (سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور ابلاغی مقام معظم رهبری، سیاست دوم)

آسیب‌شناسی به جای عمل گرایی

قوانین بر زمین مانده تسهیل ازدواج

یکی از اشکالاتی که در موضوعات و حوزه‌های مختلف در کشور مشاهده می‌شود، وجود قوانین و اسناد عالی کارگشا و بلاتکلیفی و اجرایی نشدن آنهاست. بخشی از مشکل ناشی از فاصله نسبتا زیاد میان قوه قانون گذار یا مجلس شورای اسلامی و قوه مجریه یا دولت است. به‌طور معمول هر دولتی که در کشور بر سر کار می‌آید به جای عمل به قوانین بالادستی و پیشین نظام، ترجیح می‌دهد راهکار و دستورالعمل‌های نو دراندازد. مثلا مسکن مهر را بدون توجه به ساختار قانون انگاری ملی و عقد قرارداد نظام با مردم، تخریب و تضعیف می‌کنند و طرح مسکن اجتماعی را با اندکی تغییر اما صرفا در فاز تخیل و آرزو به جامعه عرضه می‌کنند. نتیجه این می‌شود که علی رغم اشراف به راهکارها، همواره در مرحله عملیاتی حل مشکلات جامعه در برهه زمان عقب هستیم و به‌تدریج مشکلات به معضل و معضلات به آسیب اجتماعی، اقتصادی و حتی نارضایتی سیاسی مردم از حاکمیت تبدیل می‌شود. برخی از متخصصان راهکار حل این موضوع را تغییر نظام سیاسی کشور از ریاستی (رییس جمهور به عنوان رئیس قوه مجریه یا دولت و رئیس کشور) به نظام پارلمانی (ا نتخاب رئیس قوه مجریه و رئیس حکومت توسط پارلمان به صورت غیرمستقیم) می‌دانند اما هنوز در وضعیت بررسی مزایا و معایب طرح‌های مذکور هستیم و ناچاریم به صورت مکرر قوانین مهم بر زمین مانده کشور را یادآور شویم.

***

شناسایی مداوم مشکلات!

منتخبین یک جامعه باهوش، در شرایطی که «قانون تسهیل ازدواج جوانان» با بندهای مترقی و گره‌گشا، پس از ۱۰ سال بر زمین مانده، در قالب قانون افزایش جمعیت یا مبارزه با آسیب‌های اجتماعی ناشی از دیرکرد ازدواج جوانان و فساد اجتماعی و حتی تسهیل اجرای قانون عفاف و حجاب، قوانین جدید در مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام و هیئت دولت به تصویب نمی‌رسانند. بلکه به دنبال حل مشکل از سرچشمه می‌روند.

امروز با ما باشید تا کشف کنیم چرا «قانون تسهیل ازدواج جوانان» همچنان بر زمین مانده است و در بحبوحه مشکلات اجتماعی ناشی از تاخیر ازدواج دختران و پسران ایرانی، چه کسانی اصرار دارند نسخه‌های فمنیستی همچون «توانمندسازی زنان مجرد» را با شعار «اصلا مهم نیست که ازدواج نکردی دخترم!» یا نامگذاری شیک و مجلسی برای روابط نامشروع تحت عنوان «ازدواج سفید» را با پاک کردن صورت مسئله و تبلیغات فراوان رسانه ای، جا بیاندازند.

قانون تسهیل ازدواج جوانان در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۷مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. اما با وجود گذشت ۱۰ سال از تاریخ تصویب این قانون و تکلیف دولت برای اجرای آن، هنوز عملیاتی نشده و بخش‌هایی از آن نیز به صورت ناقص اجرا شده است.

طبق آماری که محزون؛ مدیرکل آمار سازمان ثبت احوال کشور در سال ۹۴ اعلام کرد اکنون حدود ۱۱ میلیون دختر و پسر جوان در سن ازدواج در کشور وجود دارند که هرگز ازدواج نکرده‌اند. این آمار نشان می‌دهد که مسئله ازدواج در کشور ما مسئله‌ای بسیار جدی است که ضرورت نگاه مسئولانه دست‌اندرکاران امر را طلب می‌کند؛ زیرا تجرد این تعداد از جوانان در کشور می‌تواند آسیب‌های اجتماعی فراوانی را در پی داشته باشد.

مجلس شورای اسلامی زمانی که بچه‌های دهه ۶۰ به سن ازدواج رسیدند، تصمیم گرفت راهکاری برای ازدواج این موج جوان جمعیت کشور بیندیشد که در پی آن قانون تسهیل ازدواج جوانان را به تصویب رساند. غفلت مسئولان دولتی از اجرای قانون تسهیل ازدواج تا به آنجا پیش رفت که با توجه به گذشت سالیان متمادی از تدوین آن، بخش‌هایی از این قانون کهنه و نیازمند اصلاح مجدد شده است.

اما در قانون تسهیل ازدواج چه مواردی ذکر شده بود و اجرای آن تا چه اندازه می‌توانست به کاهش جمعیت جوان مجرد کشور کمک کند؟

از مسکن تا تالار و هزینه عروسی!

یکی از مشکلات مهمی که سنگ پیش پای جوانان برای ازدواج است، مشکل مسکن است. به همین دلیل نمایندگان مجلس هفتم، یکی از مواد قانون تسهیل ازدواج را در رابطه با تأمین مسکن برای جوانان قرار دادند.

در ماده ۳ این قانون آمده است: دولت مکلف است با استفاده از امکانات وزارت مسکن و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و استفاده از زمین‌های دولتی یا زمین‌های اهدایی خیرین، واحدهای ساختمانی با نام «مسکن موقت» احداث و آنها را با اجاره مناسب در اختیار زوج‌های جوان قرار دهد. در این ماده تصریح شده است که مدت استفاده هر زوج از این واحدها حداکثر ۳ سال است.

از سوی دیگر، قانون‌گذار به مشکل جوانان برای برگزاری جشن ازدواج نیز توجه داشت و از این‌رو، همه دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی و شهرداری‌ها را موظف دانست که تسهیلات رفاهی مانند فرهنگسراها، تالار و باشگاه‌های خود را برای برگزاری جشن ازدواج در اختیار زوج‌های متقاضی قرار دهند. همچنین در این قانون تصریح شده است که اگر هیچ‌یک از زوجین شاغل نباشند، باید حداکثر به مدت ۲ سال پس از تاریخ ازدواج، مبلغی به عنوان کمک‌هزینه زندگی به صورت قرض‌الحسنه به آنها پرداخت شود.

تحقیقات مجلس در سال جاری حاکی از آن است که بانک ها بیش از ۷۰ هزار میلیارد تومان سپرده قرض الحسنه جاری دارند که به سپرده گذاران سود و خدمات قابل توجهی غیر از دسته چک ارائه نمی دهند اما این سپرده ها را با نرخ های بالا وام می دهند و از سودش بهره می برند. در مصوبه اخیر مجلس، قرار شده است بانک ها از بخش اندکی از این منابع برای افزایش وام ازدواج استفاده کنند.

سربازی متاهلی با تسهیلات ویژه

مشکل دیگری که می‌تواند سدی در راه ازدواج زودهنگام جوانان باشد، حضور در خدمت سربازی برای پسران است که معمولاً موجب تأخیر در ازدواج می‌شود. قانون‌گذار برای رفع این مشکل در ماده هفتم قانون تسهیل ازدواج جوانان، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح را مکلف به تعیین محل خدمت سربازان متأهل در نزدیک‌ترین مرکز نظامی محل سکونت آنها کرده است. همچنین این وزارت‌خانه موظف شده است تا به میزان حداقل ۲ برابر سربازان مجرد، به سربازان متأهل مستمری پرداخت کند.

در ماده پنجم قانون تسهیل ازدواج جوانان نیز دولت مکلف شده است که با استفاده از امکانات رسانه ملی و سایر نهادهای فرهنگی، در زمینه ازدواج فرهنگ‌سازی کند. در ذیل این ماده به مواردی مانند تصحیح آداب و رسوم ازدواج، تشویق به کاهش تشریفات، نام‌گذاری روز اول ذی‌الحجه (روز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س)) به عنوان روز ازدواج و طرح مباحث مربوط به چگونگی تشکیل خانواده و همسرگزینی از طریق رسانه‌ها، کتب درسی مقطع متوسطه و آموزش عالی اشاره شده است که در این میان به نظر می‌رسد تنها نام‌گذاری روز ازدواج محقق شده باشد!

نکته مهمی که در قانون تسهیل ازدواج جوانان وجود دارد این است که طبق این قانون، دولت موظف شده است صندوق اندوخته جوانان را تشکیل داده و از محل این صندوق به مزدوجین نیازمند به اجاره مسکن، حسب تشخیص کمیته سامان ازدواج با توجه به امکانات صندوق، وام و ودیعه مسکن پرداخت کند.

پس از تصویب این قانون، دولت نهم با تصویب شورای عالی اداری، صندوق مهر امام رضا (ع) را به منظور ارائه تسهیلاتی مانند پرداخت وام ازدواج تأسیس کرد که دست کم موضوع وام ازدواج را رونقی دوباره بخشید. با این وجود با روی کار آمدن دولت یازدهم، وام ازدواج مجددا در وضعیت تعطیلی نسبی قرار گرفت و موضوع مضحک ارائه وام ۲۵ میلیون تومانی خرید خودرو به جوانان در کنار وام ۳ میلیونی سخت و پردردسر ازدواج، موجی از اعتراض اجتماعی را نسبت به اولویت‌گذاری به دور از واقعیات زندگی جوانان در دولت، برانگیخت.

یک قانون جدید دیگر

تحقیقات مجلس در سال جاری حاکی از آن است که بانک‌ها بیش از ۷۰ هزار میلیارد تومان سپرده قرض الحسنه جاری دارند که به سپرده گذاران سود و خدمات قابل توجهی غیراز دسته چک ارائه نمی‌دهند اما این سپرده‌ها را با نرخ‌های بالا وام می‌دهند و از سودش بهره می‌برند. در مصوبه اخیر مجلس، قرار شده است بانک‌ها از بخش اندکی از این منابع برای افزایش وام ازدواج استفاده کنند.

لازم به ذکر است که بانک‌ها در حوزه قرض‌الحسنه تخلفات زیادی مرتکب شده‌اند. برای مثال از ۳۴ هزار میلیارد تومانی که تا به حال وام قرض‌الحسنه ارائه کرده‌اند، بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان را بر خلاف قانون به مدیران و کارکنان خود وام داده‌اند که این تخلف باید با پیگیری بانک مرکزی هرچه زودتر جبران شود.

طبق گزارش ۱۴۴۵۵ مرکز پژوهش‌های مجلس، وام به مدیران و کارکنان بانکی، دوره بازپرداخت ۱۵ ساله و بیشتر دارد؛ همچنین مبلغ آن بیش از ۱۲ میلیون تومان است و در مواردی تا ۱۰۰ میلیون تومان هم می‌رسد و کارمزدش هم ۱ درصد است! جالب اینجاست که در تمام سال‌هایی که بانک‌ها وام‌های مذکور را به کارکنان خود از ذخیره قرض‌الحسنه مردم پرداخت می‌کردند، وام ازدواج را به انواع بهانه‌ها لغو کرده و یا با تاخیر می‌پرداختند!

چرا تاخیر افتاد؟

تأخیر در اجرای قانون تسهیل ازدواج جوانان توسط دولت کار را به جایی رساند که پس از ۴ سال از تصویب آن، مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۸۸ گزارشی در خصوص اجرا نشدن این قانون ارائه کرد.

در گزارش دفتر مطالعات فرهنگی این مرکز آمده است: آنچه در رابطه با قانون تسهیل ازدواج جوانان و عدم اجرای این قانون در وهله اول نمایان است، این است که صندوق مهر امام رضا (ع) دقیقاً پنج ماه بعد از تصویب قانون تسهیل ازدواج جوانان با مصوبه شورای عالی اداری تشکیل شده و مهم‌ترین اقدام آن ارائه تسهیلات ازدواج در قالب وام‌های ۲۰ میلیون ریالی بوده است. حال آنکه اگر از ایجاد این صندوق اجتناب و همان صندوق اندوخته ازدواج جوانان وفق ماده ۱ قانون تسهیل ازدواج تشکیل می‌شد، مشکل آیین‌نامه اجرایی این قانون نیز وجود نداشت و امروز بیش از سه سال بود که این قانون به اجرا درآمده بود.

در بخش دیگری از این گزارش تأکید شده است که «طی ۴ سالی که از تصویب این قانون می‌گذرد، اقدامات متعددی از سوی دستگاه‌های مختلف انجام شده که بسیاری از آنها در مواد قانون تسهیل ازدواج جوانان نیز آمده است و البته هر یک از این اقدامات مصوبه‌های مستقلی دارد. در حالی‌که اگر آیین‌نامه قانون تسهیل ازدواج جوانان نهایی می‌شد، نیازی به این مصوبه‌ها که وقت و هزینه‌های گزافی را دربرمی‌گیرند، نبود.»

سرنوشت ازدواج در دولت یازدهم

به منظور پیگیری این قانون، در جلسه چهل و نهم ستاد ملی ساماندهی امور جوانان که در سال ۹۱ در دولت دهم برگزار شد، تفویض تهیه پیش‌نویس اصلاحیه قانون تسهیل ازدواج به مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست‌جمهوری واگذار شد، اما با این وجود در دولت یازدهم پیگیری این قانون به ستاد ساماندهی امور جوانان واگذار شد و اواخر تیرماه سال ۹۴ اعلام شد که قرار است در دومین جلسه ستاد ساماندهی امور جوانان در خصوص اصلاح این قانون تصمیم‌گیری شود، اما خبری در این خصوص منتشر نشد.

جالب اینجاست که مولاوردی، معاون امور زنان و خانواده دولت یازدهم، با اشاره به اجرای طرح تجرد دختران در کارگروه تعمیق باورهای دینی گفته بود: در این مورد با الگوگیری از زندگی حضرت معصومه(س) برای دختران مجرد فرهنگ‌سازی می‌کنیم(!)

وی تاکید کرد: با توجه به افزایش سن ازدواج و بالا رفتن میزان تجرد قطعی در میان زنان به دنبال ارائه الگویی از زندگی حضرت معصومه(س) هستیم تا با فرهنگ‌سازی زمینه اعتلای موقعیت زنان مجرد فراهم شود(!)

این رفتار عجیب معاون رئیس جمهوری با امر مهم تاخیر در ازدواج زنان که حتی مطابق اسناد لیبرالیستی حقوق بشر نیز از آن به عنوان «حق» نام برده شده است به پاک کردن صورت مسئله مطابق آموزه‌های فمنیستی «زنان مستقل از مردان» بیشتر شبیه است تا دلسوزی و تلاش مضاعف یک «مسئول» برای جلوگیری از «تجرد قطعی» جوانان ایرانی!

البته مولاوردی به این نکته نیز توجه نکرده که حضرت معصومه نه در سن ۷۰ سالگی بلکه در ۲۰ سالگی و حتی سنی کمتر مطابق برخی اسناد تاریخی درگذشت و چه‌بسا اگر قضای الهی بر ادامه حیاتش بود سنت پیامبر را بجا می‌آورد. بنابراین مقایسه ایشان در قرن دوم هجری با دختران جامعه امروز قیاس مع‌الفارق است.

در چنین شرایط و فضایی به نظر می‌رسد مترقی‌ترین قوانین حمایتی نیز بر زمین می‌ماند و در مقابل وقت و بودجه کشور در همایش‌ها و کنگره‌های پرهزینه «آسیب شناسی معضلات اجتماعی»، به هدر خواهد رفت.

مفاخر مهاجرین افغانستان در ایران را بشناسیم

بانوی موفق افغانستانی با ۲۰۰ سوادآموز دانشگاهی

«رقیه خالقی» بانوی مهاجر افغانستانی مقیم ایران با وجود دوری از وطن به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی ادامه می‌دهد و معتقد است که برای ادامه مسیر و پیشرفت در زندگی نباید از هیچ کار خیری فروگذاری کرد و باید به خدا توکل داشت.

به گزارش فارس، زندگی در مهاجرت برای برخی انسان‌ها جدا از سختی‌ها و تحمل مشکلات تنها مانع از رسیدن به خواسته‌ها و اهدافشان نمی‌شود، بلکه افرادی هم هستند که علی‌رغم موانع و دشواری‌ها همچون فانوسی راه روشنی برای سایر انسان‌ها نیز می‌شوند.

رقیه خالقی بانوی فعال فرهنگی و اجتماعی افغانستانی مقیم اصفهان است، بیش از ۳۰ سال از زمانی که از افغانستان به ایران مهاجرت کرده می‌گذرد و حضور موفقی در عرصه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در بین مهاجرین اصفهان داشته است.

بیش از ۲۰۰ تن از شاگردانش در نهضت سوادآموزی به دانشگاه فرستاده و علاوه بر آن موسسه فرهنگی «صدقه طاهره» را نیز تاسیس کرده تا بتواند در امور فرهنگی نقش بهتری ایفا کند. وی قرآن را به مهاجرین آموزش می‌دهد و مراسم‌های مذهبی را نیز برپا می‌کند.

فعالیت‌های این بانوی مقاوم و سخت‌کوش در اصفهان به اینجا ختم نمی‌شود، وی در عرصه هنر نیز هنرمند قهاری است، آثار هنری خود را در کنار استاد فرشچیان در نمایشگاه صنایع دستی اصفهان به نمایش می‌گذارد که با استقبال خوبی مواجه می‌شود. هنر سوزن دوزی افغانستان را احیا کرده است.

رقیه خالقی در عرصه انتخابات افغانستان نیز وارد شده و کارنامه درخشانی دارد. در عرصه اجتماعی نیز وی علاوه بر همسرداری، مادر ۵ فرزند می‌باشد. همچنین با حضور در کمیساریای سازمان بهداشت، به کمک مهاجرین از اقشار آسیب پذیر شتافته و با حضور در موسسه خیریه امام حسین (ع) کار خود را بهتر ارائه کرده است.

آنچه در ذیل می‌آید، گزارشی از کارنامه موفق و درخشان رقیه خالقی بانوی موفق مهاجر افغانستانی مقیم ایران است.

اجرای طرح نهضت سوادآموزی بین مهاجرین

با تأسیس سازمان نهضت سوادآموزی به فرمایش بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی ایران امام خمینی(ره) در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی و اهداف این سازمان در جهت گسترش سواد و ریشه‌کن کردن بی‌سوادی در جامعه، این بانوی افغانستانی که تحصیلات متوسطه خود را در افغانستان گذرانده بود به این فکر می‌برد که این طرح را بین مهاجرین افغانستانی اجراء کند.

خانم خالقی در باره دانش آموزانش می‌گوید: بیش از ۲۰۰ شاگرد داشته‌ام که برخی از شاگردانم به دانشگاه رفته‌اند و الان افراد موفقی هستند و با آنها در ارتباط هستم.

او با تأسیس موسسه «صدیقه طاهره» در سال ۶۶ در اصفهان به ریشه کن کردن بی‌سوادی در بین مهاجرین می‌پردازد و تا سال ۸۲ به عنوان آموزشیار نهضت سوادآموزی به تدریس مهاجرین مشغول می‌شود. از وی به عنوان آموزشیار نهضت سوادآموزی تقدیر شده است.

از دیگر فعالیت‌های این بانوی افغانستانی آموزش قرآن و برگزاری مراسم‌های مذهبی در هیئت صدیقه طاهره است و در رابطه با این هیئت عزاداری می‌گوید: ۱۰ روزه محرم در هیئت صدیقه طاهره برنامه مراسم عزاداری برای امام حسین (ع) داریم.

برگزاری نمایشگاه صنایع دستی

هنر سوزن دوزی از هنرهای سنتی و اصیل افغانستان است که این بانوی هنرمند افغانستان با مهارت آن را فرا گرفته است و در چندین نمایشگاه صنایع دستی به ویژه در نمایشگاه صنایع دستی کشورهای عضو سازمان اکو شرکت کرده است.

نمایشگاه آثار سوزن دوزی این بانوی هنرمند در نمایشگاه استاد فرشچیان کنار زاینده‌رود برگزار شد، در این نمایشگاه آثاری از هنرمندان افغانستانی در رشته‌های میناکاری و طلاکوبی توسط موسسه اکو در روز پناهنده به نمایش در آمد.

خانم خالقی می‌گوید: هنر سوزن‌دوزی افغانستان غنی و باعث افتخار سنتی است و برای روی لباس سوزن‌دوزی می‌شود و الان اگر این کار انجام می‌شد به خاطر زیبایی اش مد می‌شد.

فعالیت‌های سیاسی در افغانستان

با سقوط طالبان در سال ۸۱ شمسی و اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری افغانستان این بانوی افغانستانی پا به عرصه سیاست می‌گذارد و به عنوان ارشد برای اولین دوره انتخابات افغانستان دعوت می‌شود و از این بانوی فعال در عرصه سیاست برای اجرای پروسه انتخابات لویه‌جرگه قانون اساسی تقدیر می‌شود.خانم خالقی در کنار همه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی‌اش نقش موفقی را نیز در زندگی شخصی‌اش به عنوان همسر و مادر ایفا می‌کند او دارای پنج فرزند، (سه دختر و دو پسر) است که فرزندانش در فعالیت‌های اجتماعی او را همراهی می‌کنند و در برخی زمینه‌ها از جمله تایپ و ویرایش آثارش به او کمک می‌کنند.

او در کنار فعالیت‌های اجتماعی‌اش به امور خانه می‌پردازد و می‌گوید: برای خانواده‌ام از جان مایه گذاشته ام و سعی کرده ام که در کنار فعالیت‌هایم به امور خانه بپردازم و هیچ کوتاهی نکنم.

حضور در کمیساریای سازمان بهداشت و انجام کمک به مهاجرین در موسسه خیریه امام‌حسین(ع) و قشر آسیب پذیر از دیگر فعالیت‌های او است که به همراه سایر خیرین مایحتاج زندگی را بین نیازمندان خیریه امام‌حسین (ع) تقسیم می‌کند.

حضور فعال در خیریه امام حسین (ع)

خانم خالقی می‌گوید کمک‌هایی را که مردم به موسسه خیریه امام حسین (ع) می‌دهند به افراد نیازمند، معلول و بی‌سرپرست برای تأمین خوراک و هزینه بیمارستان توزیع می‌کنیم.

او می‌گوید: باید به درد و رنج مردم آشنا بود و وظیفه هر شخصی این است که در حد توان به حل گوشه‌ای از مشکلات مردم بپردازد.

تلخی‌های زمانه و دوری از وطن نتوانسته است خانم خالقی را از آرمان‌ها و ادامه مسیر زندگی‌اش دور کند چرا که این بانوی افغانستانی معتقد است که برای ادامه مسیر و پیشرفت در زندگی نباید هیچ وقت از پای نشست و باید به خدا توکل داشت.